

بیش از ۳۵ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق هستند

زینت میرهاشمی

یکشنبه ششم بهمن ۱۳۸۷

طرح «تحول اقتصادی» احمدی نژاد که در همسویی با نهادهای بین المللی مانند صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی تنظیم شده است، اثرات زیانبار خود را بیش از همه بر زندگی کارگران و مزدبگیران می گذارد. در طرح اخیر، حداقل دستمزد که همه ساله تعیین می شد، حذف خواهد شد. اگر چه این حداقل دستمزد در همه جا رعایت نمی شد و هرگز با رشد نرخ تورم تناسب نداشته، اما پایه ای برای دستمزد محسوب می شد. بر اساس طرح فوق، کارفرمایان و صاحبان سرمایه آزاداند که برای خرید نیروی کار هر نرخی بخواهند تعیین کنند. با توجه به آمار بالای بیکاری، عدم امنیت کار و قراردادهای کوتاه مدت کار، صاحبان کار با دست باز میزان استثمار را بالاتر می برند. در طرح فوق «لایحه هدفمند کردن یارانه ها» وجود دارد که افزایش دستمزد را الزامی نمی داند. بنابراین افزایش سالیانه دستمزد از قانون حذف خواهد شد. بنابراین پایه حقوق و یا حداقل حقوق در کار نخواهد بود.

این طرح در هنگامی ارائه شد که بهای نفت خام بالای ۱۴۰ دلار رسیده بود. رژیم در حمایت از سرمایه داران و در شرایطی که با رانت دولتی چپاولگران جیبهایشان را با افزایش بهای نفت پر می کردند، دولت وعده دادن «یارانه» را به مردم داد. در حالی که کارگران و مزدبگیران بسیاری از واحدهای تولیدی به دلیل عقب افتادن ماهها حقوقشان دست به اعتراض می زنند، دولت پاسداران وعده «یارانه» نقدی می داد و در حالی که یارانه ای در کار نیست، قیمتها افزایش پیدا کرده است.

در ماهی که گذشت، بهای مواد خوراکی همچنان رشد صعودی داشته است. روزنامه سرمایه ۲۲ دی در رابطه با افزایش قیمت مواد خوراکی نوشت: «بررسی گزارشهای رسمی بانک مرکزی از متوسط نرخ خرده فروشی برخی مواد خوراکی در تهران نشان دهنده رشد تا ۱۶۸ درصدی قیمتها در بازار ۳۸ قلم ماده خوراکی طی یک سال گذشته است.» تفاوت درصدی که قیمتها و هزینه های زندگی با تغییر اندک دستمزدها دارد، حکایت از گستره عمیق فقر است که به طور روزانه بر کارگران و مزدبگیران تحمیل می شود.

اثرات بحران مالی جهانی و کاهش بهای نفت خام بر اقتصاد بحرانی ایران خود را هر چه بیشتر نمایان می کند. رشد نقدینگی در اقتصاد ایران در اثر بالا رفتن قیمت بهای نفت خام طی سه سال اخیر به طور تقریبی از ۷۰ هزار میلیارد تومان به مرز ۱۷۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

بالا بودن بهای نفت خام طی دو سال گذشته، هیچ بهبودی در وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم نداشته است. بر عکس از آنجایی که نقدینگی تولید شده در اثر این افزایش وارد بخشهای تولیدی و صنعت نشده، هر چه بیشتر به بالا رفتن تورم یاری رسانده است. با بالا رفتن تورم، قیمت مواد خوراکی و وسایل مورد احتیاج مردم به شکل بی سابقه ای افزایش پیدا کرده است. بر اساس گزارش بانک مرکزی نرخ تورم در سال جاری نسبت به سال قبل رشد دو

برابر داشته است. افزایش تورم بیشترین آسیب را بروضعیت کارگران و مزدبگیران و مردم محروم جامعه می گذارد. رشد تورم که همراه با تعطیلی واحدهای تولیدی است، بیکاری را افزایش می دهد. کارگزاران رژیم بر سر ارائه آمار کسانی که زیر فقر هستند و نیز آمار بیکاری مجادله می کنند. مسئولان حکومتی حاضر به ارائه دقیق این آمار نیستند. در سال گذشته علیرغم درآمد بالای نفت، تولید به میزان زیادی کاهش پیدا کرده است. بر اساس گزارش روزنامه سرمایه ۲۳ دی، آمارهای بانک مرکزی نشان می دهد که در سال ۸۶ نسبت به سال ۸۵، تاسیس واحدهای صنعتی کاهش ۱۱/۳ درصدی داشته است.

این کاهش به طور مستقیم منجر به بیکاری بیشتر شده است. وزیر کار رژیم، نرخ بیکاری را بیش از ۱۰/۵ در صد اعلام کرده است. (ایسنا ۱۴ ژانویه) این در حالی است که بسیاری از اقتصاددانان داخل ایران نرخ بیکاری را بین ۲۵ تا ۳۰ درصد می دانند.

وزیربازرگانی رژیم در نخستین اجلاس مجمع سازمانهای توسعه تجارت اکو در رابطه با تأثیرات بحران مالی جهانی گفت؛ بحران اقتصادی جهانی تولید را در ایران کاهش داده و بیکاری را به دنبال خواهد داشت. (اعتماد ۳۰ دی) حسین راغفر، پژوهشگر حوزه رفاه و تامین اجتماعی اعلام کرد که «۲۰ میلیون نفر ایرانی زیر خط فقر زندگی می کنند.» (اعتماد ۱۲ ژانویه)

وزیر رفاه رژیم که هیچ تمایلی به آشکار شدن میزان فقر در ایران ندارد، یکی از علت‌های نبود فقر در ایران را یکسان نبودن آن با دیگر کشورها می داند. وی در مصاحبه ای اعلام کرد که «در کشور ما کودکان با شکمهای برآمده که در عکسها می بینیم وجود ندارد.» لابد تا روزی که شکم کودکان خیابانی در ایران به عکسهای کودکان در کشورهای فقیر برسد، عبدالرضا مصری و همقطاران او قصد دارند ثروت مردم را بچاپند. مصری قبلا اعلام کرده بود که تا پایان سال جاری هیچ ایرانی زیر خط فقر شدید نخواهد بود.

بر اساس گزارش روزنامه اعتماد ملی اول بهمن، سازمان بهشت زهرا اعلام کرده است که ۴۸ نفر در تهران بر اثر سوء تغذیه جانشان را از دست داده اند.

تدوین کننده نقشه جغرافیایی فقر در ایران در سال ۸۶، اعلام کرد که «حداقل ۳۵ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق به سر می برند.» (اعتماد ۱۳ ژانویه)

معلمان و فرهنگیان از جمله کسانی هستند که آسیبها و زیانهای شدیدی در اثر گسترده شدن فقر می بینند. آنها علیرغم اعتراضهای گسترده ای که داشتند و منجر به دستگیری فعالان این جنبش شد، همچنان از حقوق خود محروم هستند. محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی کانون صنفی معلمان اعلام کرد که: «معلمان حق التدریس و معلمانی که به صورت اضافه کاری در مدارس فعالیت می کنند در ۵ ماه گذشته حقوق نگرفته اند و این در حالی است که چرخ زندگی برخی از آنها تنها از این راه می چرخد.» (ایسنا ۲۰ ژانویه)

روز چهارشنبه ۱۱ دی، تعداد زیادی از معلمان در اعتراض به وضعیت خود در مقابل مجلس رژیم رفته که توسط ماموران دستگیر شدند.

رژیم با بوق و کرنا از کمک به زنان سرپرست خانوارم می زند. اسم این کمک را هم «مستمری» گذاشته و گیرندگان آن را هم «مستمری بگیر» اعلام می کند. در حالی که خط فقر بالای ۷۰۰ هزار تومان اعلام شده، مستمری به زنان

سرپرست خانوار ۵ نفره، ۶۰ هزار تومان است.

استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران، ژاله شادی طلب می نویسد: «بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست جزء فقیرترین گروهها هستند، در حالی که این رقم در خانوارهای مردسرپرست ۱۶ درصد است.»

مخبر کمیسیون بهداشت و درمان مجلس رژیم روز سه شنبه ۱۰ دی از تصویب مبلغ ۶ هزار و ۵۰۰ تومان جهت سرانه درمان برای سال ۸۸ خبر داد. این میزان تعیین شده نسبت به رشد نرخ تورم، افزایش هزینه های زندگی و نیز گرانی کالاهای مصرفی، هیچ خوانایی ندارد و به ناهنجاری بیشتر بهداشت و درمان می انجامد.

بر اساس گزارش خبرگزاری مهر ۱۰ دی، نایب رئیس انجمن پزشکان عمومی نرخ سرانه سلامت کمتر از ۱۵ هزار تومان را رفتن مردم به زیر خط فقر اعلام داشته است.

سطح بهداشت و درمان در ایران به ویژه در شهرهای دور از مرکز و نیز اکثریت روستاها، نامناسب است. کارگران و مزدبگیران با دستمزدهای ناچیز نمی توانند از عهده هزینه های درمان خود و فرزندانشان برآیند و طبیعی است که موضوع سلامت تبدیل به موضوع درجه چندم در سبد هزینه های خانوار می گردد. پدیده سلامت و بهداشت مردم برای رژیم جایگاهی ندارد. در حالی که حق بهداشت و درمان مردم جای شایسته در بودجه عمومی ندارد، ثروت کشور توسط رژیم جهت سیاستهای تروریستی در منطقه هزینه می شود. حداقل نرخ سلامت و حداقل دستمزد که هیچ تناسبی با رشد تورم ندارد، باعث تشدید فقر خواهد شد.

زینت میرهاشمی

اول بهمن ۱۳۸۷